

اثربخشی آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی

Efficacy of Training Psychodrama on the Impulsivity and Psychological Flexibility of the Students Engaged in Divorce With Externalized Behavior Problems

Mahshid Shabani
MA in Clinical Psychology
Islamic Azad University North
Tehran Branch, Tehran, Iran

Shohreh Ghorban Shiroudi, PhD
Islamic Azad University,
Tonkabon Branch, Tonkabon, Iran

شهره قربان شیروودی*
دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد
اسلامی، واحد تنکابن، تنکابن، ایران

مهشید شعبانی
دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران شمال، تهران، ایران

Javad Khalatbari, Ph.D
Islamic Azad University,
Tonkabon Branch, Tonkabon, Iran

جواد خلعتبری
دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تنکابن، تنکابن، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تعیین اثربخشی آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی و پژوهش حاضر شبه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده بود که در دوره اول متوسطه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بودند. ۴۰ دانش‌آموز طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی با روش نمونه‌برداری هدفمند انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه گمارده شدند (هر گروه ۲۰ دانش‌آموز) و به پرسشنامه برانگیختگی (بارت، استانفورد، کنت و فلتوس، ۲۰۰۴)، پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (دنيس و وندرول، ۲۰۱۰) و سیاهه رفتاری کودکان و نوجوانان (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱) پاسخ دادند. گروه آزمایش آموزش روان‌نمایشگری (خوبانی، محمدی و جراره، ۱۳۹۲) را طی دو و نیم ماه در ۱۰ جلسه ۷۵ دقیقه‌ای دریافت کردند. در گروه آزمایش ۴ نفر و در گروه گواه نیز ۳ نفر ریزش داشتند. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی تأثیر معنادار دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش روان‌نمایشگری با بهره‌گیری از فوننی همانند مواجهه‌سازی، ابراز احساسات، پالایش هیجانی و ایفای نقش می‌تواند به عنوان یک روش کارآمد جهت کاهش برانگیختگی و افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده مورد استفاده گیرد.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، برانگیختگی، طلاق، مشکلات رفتاری برونی‌سازی

Abstract

The present study was conducted to investigate the efficacy of training psychodrama on the impulsivity and psychological flexibility of the students engaged in divorce with externalized behavior problems. The present study was quasi-experimental with pretest, posttest, control group and two-month follow-up period design. The statistical population of the present study included the students engaged in divorce with externalized behavior problems who were studying in the first high school in academic year 2020-21 in the city of Isfahan. 40 students engaged in divorce with externalized behavior problems were selected through purposive sampling method and randomly accommodated into experimental and control groups (each group of 20 students). The experimental group received ten seventy-five-minute sessions of training psychodrama (Khoobani et.al, 2013) during two-and-a-half months. 4 people from the experimental group and 3 people from the control group quitted participating in the study. The applied questionnaires in this study included Impulsivity Questionnaire (Barratt, Stanford, Kent & Felthous, 2004), Psychological Flexibility Questionnaire (Dennis & VanderWal, 2010) and Children and Adolescents Behavioral Inventory (Achenbach, & Rescorla, 2001). The data from the study were analyzed through repeated measurement ANOVA. The results showed that training psychodrama has significant effect on the impulsivity and psychological flexibility of the students engaged in divorce with externalized behavior problems ($p < 0.001$). According to the findings of the present study it can be concluded that training psychodrama can be used as an efficient method to decrease impulsivity and increase psychological flexibility in the students engaged in divorce with externalized behavior problems through employing techniques such as confrontation, showing feelings, emotional refinement and role playing.

Key words: psychological flexibility, impulsivity, divorce, externalized behavior problems

Keywords: psychological flexibility, impulsivity, divorce, externalized behavior problems

received: 02 July 2021

accepted: 04 May 2022

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴

*Contact information: drshohrehshiroudi@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی رشته مشاوره است.

مقدمه

طلاق پدیده‌ای است که می‌تواند به سلامت روان‌شناختی و هیجانی و اجتماعی فرزندان آسیب جدی وارد کند (باستایتس، پاستیلز و مورتلمانس، ۲۰۱۹). وقوع طلاق صرفاً به زوجین آسیب‌های روان‌شناختی وارد نمی‌آورد، بلکه سلامت روان‌شناختی فرزندان نیز از این واقعه به خطر می‌افتد (گوبلدبالدی، کلیمنشا، پری و مک‌لوگین، ۲۰۱۰). از نظر سورک (۲۰۲۰) دوران تحولی نامساعد که به دلیل وقوع طلاق پدید می‌آید، می‌تواند با بروز اختلال‌های روان‌شناختی رابطه معنادار دارد و جدایی والدین منجر به تغییراتی شگرف و سازماندهی‌های مجدد در خانواده می‌شود که در طول زمان سازش‌یافتگی فرزند را زیر تأثیر قرار می‌دهد. عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده به علت طلاق، تعادل این نهاد را بر هم زده و تضعیف کارکردهای خانواده و کاهش نظارت و کنترل اجتماعی را به همراه دارد (قره‌داغی و مبینی‌کشه، ۲۰۲۰) و به تبع آن، اعتیاد و بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی و اختلال‌های رفتاری در فرزندان افزایش می‌یابد. دامنه آثار مخرب طلاق بر فرزندان به حدی است که آن‌ها را قربانیان بی‌وکیل می‌نامند (استوکپک، ۲۰۱۹). فرزندان طلاق، از حیث اجتماعی، با چالش‌های شناختی، عاطفی، هویتی و اجتماعی روبرو هستند که مانع جذب مناسب آن‌ها در جامعه می‌شود (استپ و ویلکوکس، ۲۰۲۰). یکی از مشکلات رفتاری که برای فرزندان طلاق پیش می‌آید، مشکلات رفتاری برونی‌سازی^۱ است (استکول، ۲۰۱۱، حسینی یزدی، مشهدی، کیمیایی و عاصمی، ۲۰۱۵). مشکلات رفتاری برونی‌سازی مشکلات و الگوهای سازش‌نیافته‌ای را در برمی‌گیرد که در تعارض با دیگر افراد و محیط آشکار می‌شود (لاندرز، بلامی، دانس و هاوک،

۲۰۱۷)، که این الگوهای ناپایدار شامل رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه‌ای است که از آن جمله می‌توان به اختلال نارسایی توجه و فزون‌کنشی^۲، اختلال سلوک^۳ و اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۴ اشاره کرد. به‌رغم اهمیت عوامل زیست‌شناختی، به نظر می‌رسد عوامل نامساعد محیط خانوادگی مانند ارتباط والد فرزند نامطلوب، سبک‌های تربیتی والدینی ناکارآمد، منفی‌گرایی و نیز نارسایی در مهارت‌های اجتماعی، در پیدایش، گسترش، تداوم یا تشدید نشانه‌های برونی‌سازی نقش مؤثری ایفا می‌کنند (باتاگلیس و دیگران، ۲۰۱۵).

یکی از مشکلاتی که کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری برونی‌سازی با آن مواجه‌اند، هیجان‌خواهی^۵ و برانگیختگی^۶ است (سانچز، کلارک و فایلد، ۲۰۱۹). برانگیختگی به صورت آمادگی قبلی برای واکنش سریع و بدون برنامه به محرک‌های درونی یا بیرونی بدون توجه به عواقب منفی آن واکنش‌ها برای خود یا دیگران تعریف می‌شود (پیواراناس و کانر، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، برانگیختگی مبادرت به عمل، عدم تمرکز بر فعالیت در دست اقدام و فقدان برنامه‌ریزی و تفکر است که به‌عنوان پیش‌آمدگی و بخشی از نوعی الگوی رفتاری و نه یک اقدام منفرد تعریف شده است (مولر، بارت، داگرتی، اسمیتز و سوان، ۲۰۰۱). سه ویژگی اساسی برانگیختگی عبارتند از: رفتار شتاب‌زده، برنامه‌ریزی نشده و بدون فکر و مستعد اشتباه که می‌تواند نقطه عطف بسیاری از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی باشد (پیواراناس و کانر، ۲۰۱۵). بر اساس نظر هیزن، بویی، توماس و بلانگن (۲۰۱۵)، چهار بُعد شخصیتی در ارتباط با ابعاد متفاوت رفتارهای برانگیخته عبارتند از: فوریت: مشکل برای مقاومت در برابر برانگیختگی‌های قوی و گرایش به عمل از روی بی‌ملاحظگی در هنگام تجارب هیجانی

1 - externalizing behavior problems

2 - attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD)

3 - conduct disorder

4 - obedient defensive disorder (ODD)

5 - Sensation Seeking

6 - impulsive

۲۰۱۷؛ دنکلا و دیگران، ۲۰۱۸).

روش‌های درمانی مختلفی برای کودکان و نوجوانان طلاق به کار گرفته شده است، هرچند که در زمینه کودکان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی خلا پیشینه پژوهشی مداخله‌ای وجود دارد. از جمله روش‌هایی که می‌تواند مؤثر باشد، آموزش روان‌نمایشگری^۲ است. پژوهش‌های گوناگون همچون پژوهش برومندیان، محمدی و رحیمی طاقانکی (۲۰۱۹)، تاملا و سیمسک (۲۰۲۱)، تستونی، بنلی، بیانکالانی، زالیانی و ناوا (۲۰۲۰)، جنینگ (۲۰۰۹)، دوگان (۲۰۱۰)، دهنوی، زاده‌محمدی، هاشمی و باجلان (۲۰۱۸)، علیمرادی، قربان شیرودی، خلعتبری و رحمانی (۲۰۱۹)، غلامی ونوول و دیگران (۲۰۱۸)، فانگ (۲۰۱۶)، کارتاس و گاوکان (۲۰۰۹)، لی، وانگ، گائو و لی (۲۰۱۵)، موسوی و حقایق (۲۰۱۹) و وانگ و دیگران (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که روش روان‌نمایشگری می‌تواند در جامعه‌های آماری گوناگون از مؤلفه‌های روان‌شناختی آسیب‌زا کاسته و سلامت عمومی و هیجانی افراد را بهبود بخشد. روان‌نمایشگری فن درمانگری بر اساس بدیهه‌سازی صحنه‌های نمایشی در یک موضوع معین به وسیله گروهی از افراد است که مشکل مشابه دارند. از نظر مور نمایش درمانی از طریق ترکیب بازی‌ها و نمایش‌های تجسمی، نقش‌ها و ارائه تصاویر می‌تواند یک مداخله کلی متناسب با نیازهای تحولی کودکان را عرضه کند (مور، ۲۰۰۹). برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که روان‌نمایشگری یک روش درمانی است که طی فرایندی به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا مسایل اجتماعی و روان‌شناختی خود را در بافتی واقعی بازآفرینی کنند و نه فقط در مورد آن حرف بزنند (کرات و گوکان، ۲۰۰۹). روان‌نمایشگری به‌طور اساسی روش قدرتمندی است که به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا داستان زندگی و احساسات خود را بازگو کنند و تمرین‌های رفتاری جدیدی را برای

منفی یا مثبت؛ فقدان برنامه‌ریزی؛ گرایش به درگیر شدن در اعمال فوری به‌جای عمل همراه با تفکر دقیق و برنامه‌ریزی؛ فقدان پایداری؛ مشکل در نگاه‌داشتن توجه بر انجام تکلیف و شکست در تحمل خستگی؛ هیجان‌طلبی؛ گرایش به جست‌وجوی هیجان و ماجراجویی.

دیگر مؤلفه روان‌شناختی که می‌تواند با بروز طلاق و شکل‌گیری مشکلات رفتاری برونی‌سازی در فرزندان مختل شود، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی است (بیاتی اشکفتکی، ۲۰۲۱). چرا که این مؤلفه متأثر از سلامت روانی و هیجانی افراد است و با بروز مشکلاتی که منجر به کاهش سلامت روانی و هیجانی شود، آسیب می‌بیند. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به‌معنای مجموعه رفتارهایی است که فرد در راستای ارزش‌هایش انجام می‌دهد (پورفرج و محمدیان، ۱۳۹۹). در مجموع نبود رفتارهایی که در راستای ارزش‌های فرد باشند، باعث می‌شود که فرد احساس کند زندگی‌اش بدون معنا و هدف است یا زندگی وی سراسر درد و رنج است. هم‌چنین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی سبب می‌شود که فرد علاوه بر رفتارهای ارزشمندان، دارای تعهد در عمل نیز باشد (هیز، ۲۰۱۶). انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در ارتباط با کنش‌وری اجرایی به توانایی انتخاب پاسخ عملی در بین گزینه‌های موجود و مناسب و استفاده از خلاقیت اشاره دارد که بر اساس آن می‌تواند پاسخ‌های جدیدی برای شرایط چالش‌انگیز ارائه دهد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند فکر و رفتار فرد را در پاسخ به تغییرات شرایط محیطی سازگار کند (المارزوگی، چیکلوت و مک‌کراکن، ۲۰۱۷). شواهد نشان می‌دهد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی و آسیب‌پذیری در طیف گسترده‌ایی از مشکلات که شامل افسردگی، اضطراب و ناراحتی‌های روانی عمومی می‌شود، رابطه دارد (والدک، تاین‌دال، ریما و چیمیل،

کاهش رنج، آسیب و اندوه خود به کار برند. برخی صاحب‌نظران معتقدند که بسیاری از تکنیک‌های روان‌نمایشگری برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و حل مسئله با هدف به‌کارگیری و به‌خاطر سپردن در کودکان و نوجوانان مناسب و سازگار است (وانگ و دیگران، ۲۰۲۰).

مروری بر ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد کارآیی آموزش روان‌نمایشگری در پژوهش‌های پیشین تأیید شده است (لی و دیگران، ۲۰۱۵). اما در زمینه کودکان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی به شکل کلی خلاء پژوهشی وجود دارد. این فرایند زمانی نمود بیشتری می‌یابد که اشاره شود، برای این کودکان مداخله روان‌شناختی کارآیی در پژوهش‌های پیشین به کار نگرفته شده است.

در مورد ضرورت انجام این پژوهش می‌توان گفت، فرزندان خانواده‌های مطلقه نسبت به فرزندان خانواده‌های عادی، دارای مشکلات عاطفی، رفتاری و تحصیلی بیشتری هستند و از سلامت روانی کمتری برخوردارند. همچنین آن‌ها موفقیت‌های تحصیلی کمتری کسب می‌کنند، سازش‌ناپافتگی‌های روان‌شناختی بیشتری از خود بروز می‌دهند و حرمت خود پایین و مشکلات اجتماعی بیشتری دارند (سورک، ۲۰۲۰). همچنین پژوهش‌ها نشان داده که تحول عاطفی و اجتماعی فرزندان که در خانواده‌های طلاق پرورش می‌یابند، معمولاً در مقایسه با فرزندان که در خانواده‌های عادی رشد می‌کنند، کمتر است (استوکپک، ۲۰۱۹). بر این اساس ضرورت به‌کارگیری مداخلات روان‌شناختی برای این فرزندان بسیار حیاتی است. علاوه بر این، فرایند توجه به سلامت روانی کودکان و نوجوانان امری اجتناب‌ناپذیر است چرا که این گروه از جامعه در آینده نزدیک، می‌بایست به ایفای نقش اجتماعی و شغلی پرداخته و آسیب‌پذیری روان‌شناختی آنان سبب می‌شود آن‌ها نتوانند کارکرد اجتماعی، روان‌شناختی و تحصیلی مناسب

داشته باشند. این نکته نیز حائز اهمیت است به‌رغم تأیید کارآیی آموزش روان‌نمایشگری در پژوهش‌های پیشین، جامعه آماری این پژوهش کودکان طلاق است کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در حالی که پرداختن به مشکلات رفتاری برونی‌سازی این کودکان و کاهش آسیب‌های روانی و هیجانی مرتبط با آن، مورد غفلت واقع شده است. بنابراین، هدف این پژوهش تعیین اثربخشی آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی است.

روش

این پژوهش شبه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه و جامعه آماری دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی بود که در دوره اول متوسطه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بودند. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌برداری هدفمند استفاده شد. بدین صورت که از بین نواحی شش‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان، ناحیه ۶ انتخاب شد. دلیل انتخاب این ناحیه، وجود پدیده حاشیه‌نشینی، بروز آسیب‌های اجتماعی بیشتر در این ناحیه و احتمال وقوع بیشتر پدیده طلاق و مشکلات رفتاری در فرزندان بود. بر این اساس با مراجعه به ۲۰ آموزشگاه دخترانه و پسرانه متوسطه اول این ناحیه، دانش‌آموزان تک‌والدی شناسایی و ۲۳۶ دانش‌آموز طلاق با توجه به اطلاعات ثبت‌شده در آموزشگاه‌ها شناسایی شدند و سیاهه رفتاری کودکان و نوجوانان^۱ (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱) به‌صورت مجازی تکمیل کردند. سپس از بین این دانش‌آموزان ۴۰ نفر که نمره آنان در ماده‌های مربوط به مشکلات رفتاری برونی‌سازی سیاهه رفتاری کودکان و نوجوانان ۶۳ و بالاتر بود، انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه گمارده شدند (۲۰ دانش‌آموز در

دو بخش تشکیل شده است: نخستین بخش ۱۳ ماده به بررسی صلاحیت کلی کودک در سه مقیاس فعالیت‌ها^۱، اجتماعی^۲ و مدرسه^۳ و بخش دوم با ۱۱۳ ماده به بررسی مشکلات هیجانی و رفتاری می‌پردازد. پاسخ‌دهی بر اساس طیف لیکرت ۳ گزینه‌ای است: نادرست (نمره صفر)، گاهی درست (نمره یک) و غالباً درست (نمره دو). نمره مشکلات هیجانی و رفتاری از طریق جمع نمره‌های مشکلات رفتاری درونی‌سازی^۴، مشکلات رفتاری برونی‌سازی و مشکلات توجه^۵، مشکلات تفکر^۶ و مشکلات اجتماعی^۷ به‌دست می‌آید. دامنه نمره‌های مشکلات رفتاری و هیجانی از صفر تا ۲۴۰ و گستره نمرات t برای دامنه مرزی از ۶۰ تا ۶۳ و بالاتر از نمره ۶۳ برای دامنه بالینی در نظر گرفته شده است (آشنیخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). گلاسر (۲۰۱۱) در نتایج پژوهش خود اعتبار بازآزمایی و همسانی درونی این مقیاس، مشکلات برونی‌سازی و مشکلات درونی‌سازی را ۰/۹۴، ۰/۹۷، ۰/۹۲، ۰/۹۴، ۰/۹۱ و ۰/۹۰ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش ناکامورا، ايساتانی، برنستین و چورپیتا (۲۰۰۹) ضریب آلفای کرونباخ سیاهه رفتاری کودکان (۰/۸۱) گزارش شده است. در پژوهش گلپایگانی، بیات، مجدیان و آقابرگی (۲۰۱۹) نیز ضریب آلفای کرونباخ سیاهه رفتاری کودکان، مشکلات برونی‌سازی و مشکلات درونی‌سازی به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۲ و ۰/۹۰ به‌دست آمد. در این پژوهش ضریب اعتبار سیاهه رفتاری کودکان در بُعد مشکلات برونی‌سازی ۰/۹۰ به‌دست آمد.

پرسشنامه برانگیختگی بارت^۸ (بارت، استانفورد، کنت و فلتوس، ۲۰۰۴). این پرسشنامه ۳۰ ماده‌ای سه عامل برانگیختگی شناختی^۹، برانگیختگی حرکتی^{۱۰} و بی‌برنامگی^{۱۱} را ارزیابی می‌کند. ماده‌ها به صورت چهارگزینه‌ای (از به ندرت: نمره ۱ تا همیشه: نمره ۴) تدوین شده‌اند و پایین‌ترین

گروه آزمایش و ۲۰ دانش‌آموز در گروه گواه). لازم به ذکر است که با این دانش‌آموزان مصاحبه بالینی نیز صورت پذیرفت. سپس گروه آزمایش مداخله آموزشی روان‌نمایشگری را در طی دو و نیم ماه به صورت هفته‌ای یک جلسه ۷۵ دقیقه‌ای در گروه‌های سه نفره دریافت کرد و گروه گواه هیچ مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکرد اما پس از اتمام فرایند پژوهش آموزش رایگان به این دانش‌آموزان نیز ارائه شد. در گروه آزمایش ۴ نفر و در گروه گواه نیز ۳ نفر ریزش داشتند و در نهایت نمونه پژوهش به ۳۳ نفر تقلیل یافت (۱۶ نفر در گروه آزمایش و ۱۷ نفر در گروه گواه). پس از اتمام جلسات پس‌آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج، دو ماه بعد مرحله پیگیری اجرا شد. ملاک‌های ورود به پژوهش قرار داشتن در گستره سنی ۱۳-۱۵ سال، پایه تحصیلی هفتم، هشتم و نهم، رضایت دانش‌آموز و والد برای شرکت در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی (با توجه به پرونده سلامت آن‌ها) و عدم دریافت مداخله روان‌شناختی همزمان بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز غیبت بیش از دو جلسه، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس و عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند انجام پژوهش بود. یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که دامنه سنی این دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۵ سال بود که بیشترین فراوانی در گروه آزمایش ۱۴ سال (تعداد ۷ دانش‌آموز معادل ۴۳/۷۵ درصد) و در گروه گواه ۱۳ سال (تعداد ۸ دانش‌آموز معادل ۴۷/۰۵ درصد) بود. در این پژوهش از ابزارهای استفاده شده است. سیاهه رفتاری کودکان و نوجوانان (آشنیخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). این سیاهه برای سنجش مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان تهیه و از

1 - activities

2 - social

3 - school

4 - internalized behavior problems

5 - attention problems

6 - thinking problemi

7 - social problems

8 - Barratt Impulsiveness Questionnaire

9 - cognitive impulsivity

10 - motor impulsivity

11 - lack of programming

و بالاترین نمره به ترتیب ۳۰ و ۱۲۰ است. کسب نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده برانگیختگی بیشتر فرد است. بررسی‌ها نشان داده که پرسشنامه برانگیختگی بارت و دیگران (۲۰۰۴) نقل از اختیاری و دیگران، (۲۰۰۸) همبستگی بالایی با پرسشنامه برانگیختگی آیزنگ^۱ (۱۹۹۸) دارد و ساختار ماده‌های هر دو نشان‌دهنده ابعادی از تصمیم‌گیری شتابزده^۲ و نداشتن دوراندیشی^۳ است. اعتبار این پرسشنامه در مورد یک گروه معتاد و سالم مناسب و زیرمقیاس‌های آن از همبستگی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند (اختیاری و دیگران، ۲۰۰۸). در پژوهش جلالی دهکردی و آقابابایی (۲۰۱۳) نیز اعتبار این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بود و روایی آن با تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده ۳ عامل با بار عاملی مناسب (۰/۲۸ تا ۰/۴۱) بود. بارت و دیگران (۲۰۰۴) اعتبار درونی نمره کل این پرسشنامه را از ۰/۷۶ تا ۰/۸۳ گزارش کردند. نادری و حق‌شناس (۲۰۰۹) برای نخستین بار در ایران به اعتبارسنجی^۴ پرسشنامه برانگیختگی بارت (۲۰۰۴) با محاسبه همبستگی آن با مقیاس هیجان‌خواهی ذاکرمن^۵ (۲۰۰۷) در جامعه دانشجویی پرداختند. ضریب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۲۸ و ضرایب اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ و به روش دونیمه‌سازی ۰/۶۰ به دست آمد. در این پژوهش اعتبار این پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ بود.

پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی^۶

(دنيس و وندروال، ۲۰۱۰): این پرسشنامه با ۲۰ ماده برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیربالینی و برای ارزیابی پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی

- رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود. در ایران در پژوهش شاره، فرمانی و سلطانی (۲۰۱۴) برای این پرسشنامه سه زیرمقیاس جایگزین‌ها^۷، کنترل^۸ و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی^۹ شناسایی شد. این پرسشنامه براساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت است که از امتیاز خیلی مخالفم (نمره ۱) تا خیلی موافقم (نمره ۷) درجه‌بندی شده است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۲۰ و حداکثر نمره ۱۴۰ است. نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری روانی بیشتر است. در پژوهش دنيس و واندروال (۲۰۱۰) روایی همزمان این پرسشنامه را با پرسشنامه افسردگی بک^{۱۰} (۱۹۹۶) برابر با ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن را با مقیاس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی مازنین و رایین^{۱۱} (۲۰۰۵) برابر با ۰/۷۵ به دست آوردند. شاره و دیگران (۲۰۱۴) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را ۰/۸۱ و ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش فاضلی و احتشام‌زاده و هاشمی (۲۰۱۵) ۰/۷۵ و در پژوهش فاضلی و دیگران (۲۰۱۵) برای زیرمقیاس‌های جایگزین‌ها، مهار و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۷۵ و ۰/۶۷ به دست آمد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۸ محاسبه شد.

پروتکل آموزش روان‌نمایشگری

(خوبانی، زاده‌محمدی و جراره، ۲۰۱۴). این بسته آموزشی در ایران و برای جامعه آماری دانش‌آموزان پرخاشگر طراحی و اعتبار آن تأیید شده است (جدول ۱).

1 - Eyseng Impulsivity Questionnaire
2 - hasty decision making
3 - lack of foresight
4 - accreditation
5 - Zakerman Sensation Seeking Scale
6 - Psychological Flexibility Questionnaire

7 - alternatives
8 - control
9 - alternatives to human behavior
10 - Beck Depression Questionnaire
11 - Maznin and Robin Psychological Flexibility Scale

| جلسه | محتوای جلسه‌ها |
|-------|--|
| اول | معارفه و آشنایی: توضیح اهداف و فرایند مشاوره گروهی و پاسخ‌گویی به سؤال‌های، استفاده از تکنیک فروشگاه جادویی برای گرم کردن، بیان قوانین گروه و امضای قرارداد گروهی، دادن تکلیف نوشتن شرح حال و استفاده از تکنیک «دست دادن» برای خاتمه گروه |
| دوم | استفاده از تکنیک «پیاده‌روی با چشمان بسته، یک تکنیک مواجهه‌ای» برای گرم کردن گروه، مروری بر مباحث روان‌نمایشگری، تعریف هوش هیجانی و ابعاد آن با مشارکت اعضا با تمرکز بر هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی با تکیه بر فنون ایفای نقش و معکوس نقش |
| سوم | چگونگی ابراز احساسات مثبت با توجه به تفاوت‌های فردی و موقعیتی، قاطعیت و چگونه نه گفتن، بررسی تجارب اعضا در هر کدام از زمینه‌ها، تسهیل و ترغیب اعضا به ابراز وجود و مشارکت در گروه با توجه به نوع مسائل مطرح‌شده، کار بر احساسات و عواطف و تخلیه هیجانی با استفاده از فن مضاعف، مونولوگ ^۱ و معکوس نقش، رسیدن به پیش و مشارکت اعضا |
| چهارم | استفاده از تکنیک «داستان‌گویی» برای گرم‌شدن گروه، بحث پیرامون نقش هوش هیجانی در کسب سازگاری و مهارت اجتماعی و به چالش کشیدن اعضای گروه، انتخاب پروتاگونیست ^۲ و ایفای نقش و استفاده از فن فرافکنی در آینده و معکوس نقش |
| پنجم | استفاده از تکنیک «آگهی بازرگانی» برای آماده‌سازی گروه، مروری بر جلسه قبل و هوش هیجانی با تأکید بر ابراز هیجان، انتخاب پروتاگونیست و استفاده از فنون فرافکنی در آینده و مضاعف، مشارکت و پردازش |
| ششم | آماده‌سازی گروه با تکنیک «زندگی سهل است- زندگی سخت است»، توضیح هوش هیجانی و راه‌های تنظیم آن و بحث پیرامون آن، تمرکز و داستان پروتاگونیست، در قالب هوش هیجانی و تنظیم هیجان، با استفاده از فن معکوس نقش، مشارکت |
| هفتم | مروری بر جلسه گذشته و پرداختن به داستان پروتاگونیست قبلی، استفاده از فن جفت و معکوس نقش و کار بر روی احساسات پروتاگونیست و پالایش هیجانی، مشارکت و پردازش |
| هشتم | پرداختن به عواطف و هیجان‌های مثبت چون شادی، صمیمیت و محبت و نیز عواطف منفی چون خشم، نگرانی، غم و مفاهیم اضطراب، تنیدگی و افسردگی در این جلسه‌ها، انتخاب فنون مناسب روان‌نمایشگری (مثل فن آینه، جفت‌های متعدد، تک‌گویی) با توجه به مشکل و تجربه پروتاگونیست در هر جلسه، مشارکت اعضا به عنوان یاور، ارائه پسخوراند به‌وسیله گروه، تحلیل مشکل توسط رهبر |
| نهم | استفاده از تکنیک «پایکوبی» برای گرم کردن گروه، مرور جلسه قبل و انتخاب پروتاگونیست، استفاده از فن زبان بدن، معکوس نقش و تکنیک صندلی خالی در مرحله اجرا، مشارکت و پردازش، تکلیف، یافتن یک هدیه سمبلیک |
| دهم | مروری بر کل جلسات و جمع‌بندی، تلاش برای یکپارچه‌کردن جلسات توسط رهبر، بررسی تکالیف باقی‌مانده احتمالی برای اعضا، بررسی مهمترین نکات آموخته شده در این گروه با استفاده از تکنیک جملات ناتمام، بررسی افکار و احساسات کنونی اعضا، کار بر روی موضوع فقدان، ارائه هدیه سمبلیک هر یک از اعضا به دوستانشان |

در این پژوهش از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده شد. یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دو گروه آزمایش و گواه

| مؤلفه‌ها | گروه‌ها | پیش‌آزمون | | پس‌آزمون | | پیگیری |
|--------------------------|-------------|-----------|-------|----------|-------|---------------------|
| | | SD | M | SD | M | |
| برانگیختگی | گروه آزمایش | ۱۲/۸۳ | ۷۴ | ۱۲/۴۹ | ۶۵/۶۲ | SD ۱۳/۰۴ M ۶۶/۷۵ |
| | گروه گواه | ۱۱/۸۱ | ۷۵/۵۲ | ۱۱/۹۷ | ۷۶/۵۸ | SD ۱۱/۹۲ M ۷۶/۵۳ |
| انعطاف‌پذیری روان‌شناختی | گروه آزمایش | ۱۳/۵۶ | ۷۴/۸۱ | ۱۹/۸۱ | ۹۷/۴۳ | SD ۱۸/۶۵ M ۹۳/۶۸ |
| | گروه گواه | ۱۵/۱۰ | ۷۰/۴۱ | ۱۵/۵۸ | ۶۹/۸۲ | SD ۱۵/۰۶ M ۶۹/۶۴ |

قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون واریانس با اندازه‌گیری مکرر، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک بررسی شد. نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیرهای برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری برقرار است ($P > 0.05$). هم‌چنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لون مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود و

نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در دو متغیر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی رعایت شده است ($P > 0.05$). از طرفی نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت نمره‌های پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و گروه گواه در متغیرهای وابسته (برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی) معنادار نبود ($P > 0.05$). این در حالی بود که نتایج آزمون موچلی بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی رعایت شده است ($P > 0.05$).

جدول ۳

تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای بررسی تاثیرات درون و بین گروهی برای متغیرهای برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی

| متغیرها | SS | df | MS | F | ES | η^2 |
|--------------------------|-------------------------|----|---------|---------|------|----------|
| برانگیختگی | مراحل | ۲ | ۱۲۸/۷۵ | ۴۲/۲۸ | ۰/۵۶ | ۱ |
| | گروه‌بندی | ۱ | ۱۳۲/۸۷ | ۱۵/۵۵ | ۰/۴۴ | ۱ |
| | تعامل مراحل و گروه‌بندی | ۲ | ۲۱۷/۶۸ | ۷۱/۴۸ | ۰/۶۶ | ۱ |
| | خطا | ۶۲ | ۳/۰۴ | ۱۸۸/۷۹ | | |
| انعطاف‌پذیری روان‌شناختی | مراحل | ۲ | ۱۱۳۸/۸۵ | ۴۵/۰۵ | ۰/۵۷ | ۱ |
| | گروه‌بندی | ۱ | ۸۶۳۳/۰۶ | ۱۶/۲۲ | ۰/۴۵ | ۱ |
| | تعامل مراحل و گروه‌بندی | ۲ | ۱۲۸۷/۶۶ | ۵۰/۹۳ | ۰/۶۰ | ۱ |
| | خطا | ۶۲ | ۲۵/۲۸ | ۱۵۶۷/۳۸ | | |

* $P < 0.001$

گروهی یا نوع درمان دریافتی هم بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی تأثیر معنادار داشته است. اندازه اثر نشان می‌دهد عضویت گروهی (آموزش روان‌نمایشگری) به ترتیب ۴۴ و ۴۵ درصد از تفاوت در نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی را تبیین می‌کند. در نهایت نتایج بیانگر آن است که اثر متقابل نوع درمان و عامل زمان بر نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت نوع درمان دریافتی در مراحل مختلف ارزیابی بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی به میزان ۶۶ و ۶۰ درصد تأثیر معنادار داشته است. توان آماری نیز حاکی

نتایج آزمون واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان می‌دهد بر اساس ضرایب F محاسبه شده، عامل زمان یا مرحله ارزیابی تأثیر معناداری بر نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی داشته است. اندازه اثر نشان می‌دهد عامل زمان به ترتیب ۵۶ و ۵۷ درصد از تفاوت در واریانس‌های نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی را تبیین می‌کند. علاوه بر این، بر اساس ضرایب F محاسبه شده، تأثیر عامل عضویت گروهی (آموزش روان‌نمایشگری) هم بر نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی معنادار است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود عامل عضویت

انعطاف‌پذیری روان‌شناختی آزمودنی‌ها برحسب مرحله ارزیابی ارائه می‌شود.

از دقت آماری بالا و کفایت حجم نمونه است. در ادامه در جدول ۴ مقایسه زوجی میانگین نمرات برانگیختگی و

جدول ۴

مقایسه زوجی میانگین نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی

| متغیر | MD | S.E | p |
|--------------------------|--------|------|--------|
| برانگیختگی | ۳/۶۵ | ۰/۵۱ | ۰/۰۰۰۱ |
| | ۳/۱۲ | ۰/۴۹ | ۰/۰۰۰۱ |
| | -۳/۶۵ | ۰/۵۱ | ۰/۰۰۰۱ |
| | -۰/۵۳ | ۰/۲۲ | ۰/۰۸ |
| انعطاف‌پذیری روان‌شناختی | -۱۱/۰۱ | ۱/۵۳ | ۰/۰۰۰۱ |
| | -۹/۰۵ | ۱/۴۱ | ۰/۰۰۰۱ |
| | ۱۱/۰۱ | ۱/۵۳ | ۰/۰۰۰۱ |
| | ۱/۹۶ | ۰/۵۰ | ۰/۱۴ |

رفتاری برونی‌سازی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی تأثیر معنادار دارد و منجر به کاهش برانگیختگی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده است. این یافته با نتایج پژوهش غلامی ونوول و دیگران (۲۰۱۸) مبنی بر تأثیر روان‌نمایشگری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دبستانی با اختلال نارسایی توجه و فزون‌کنشی، علیمردادی و دیگران (۲۰۱۹) مبنی بر اثربخشی درمان روان‌نمایشگری بر خودتوانمندسازی اجتماعی و ناگوایی هیجانی دانش‌آموزان، برومندیان و دیگران (۲۰۱۹) مبنی بر اثربخشی گروه‌درمانی تعاملی و روان‌نمایشگری بر جهت‌گیری هویت دختران نوجوان با پریشانی روان‌شناختی، کارتاس و گاوکان (۲۰۰۹) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر پرخاشگری نوجوانان، وانگ و دیگران (۲۰۲۰) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر اضطراب و افسردگی نوجوانان و با تاملا و سیمسک (۲۰۲۱) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر خودشکوفایی، احساس کهنتری و خودشفقت‌ورزی دانش‌جویان همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت روان‌نمایشگری

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مرحله پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری در متغیرهای برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی تفاوت معنادار وجود دارد. این امر بدان معناست که آموزش روان‌نمایشگری توانسته است به شکل معناداری نمرات پس‌آزمون و پیگیری برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی را نسبت به مرحله پیش‌آزمون تغییر دهد. یافته دیگر این جدول نشان می‌دهد بین میانگین نمرات مرحله پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت آموزش روان‌نمایشگری منجر به تغییر معنادار میانگین نمرات برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی در مرحله پس‌آزمون شده و این اثر در مرحله پیگیری نیز ثبات خود را حفظ کرده است.

بحث

این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات

روی‌آوردی در روان‌درمانی است که از نمایش، تخیل، تصویرسازی ذهنی، اعمال بدنی و پویایی گروه بهره می‌گیرد و ترکیبی از هنر، بازی، حساسیت هیجانی و تفکر روشن است. روان‌نمایشگری با هدف بالابردن سطح ارتباط میان افراد، رویارویی مستقیم با هیجان‌های طرف‌های درگیر، نشان‌دادن کشمکش‌های هیجانی طرف‌های درگیر در زندگی روزمره، کاهش از خودمحوری و خودیابی به‌کار برده می‌شود (کارتاس و گاوکان، ۲۰۰۹). بر این اساس روان‌نمایشگری به دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری برونی‌سازی کمک می‌کند تا ابعاد روان‌شناختی و هیجانی مشکل خود را کشف کنند. این فرایند به این دانش‌آموزان یاری می‌رساند تا با آگاهی درونی بیشتر نسبت به خود و شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند، افکار و رفتارهای آسیب‌رسان کمتری نشان دهند و رفتارهای برانگیخته آن‌ها نیز کاهش یابد. علاوه بر این باید اشاره کرد که روان‌نمایشگری روش اصلاح رفتار و رابطه‌محور است و در زمینه‌های ادراک‌های مخدوش هیجانی، نارسایی ارتباطی، پاسخ‌های هیجانی نارسا، رفتارهای کلیشه‌ای، رفتارهای برانگیخته و از خودبیگانگی کاربرد دارد (وانگ و دیگران، ۲۰۲۰). بر این اساس در این روی‌آورد به دانش‌آموزان کمک می‌شود تا توانایی‌های اجتماعی خود را بهبود بخشند و مهارت‌هایی را که فراتر از روش حل مسئله است بیاموزند. این دانش‌آموزان با آموختن مهارت‌هایی مانند مهارت‌های گفت‌وگو، حل مسائل بین فردی و آگاهی هیجانی، روابط اجتماعی و محیطی سازنده‌تری را شکل دهند و از این طریق، رفتارهای برانگیختگی آن‌ها که به روابط اجتماعی‌شان آسیب می‌زند، کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش روان‌نمایشگری بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری برونی‌سازی تأثیر معنادار دارد و منجر به افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان شده

است. همسو با این یافته نتایج پژوهش دهنوی و دیگران (۲۰۱۸) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر تاب‌آوری افراد، موسوی و حقایق (۲۰۱۹) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر اضطراب اجتماعی، حرمت خود و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دارای اختلال اضطراب اجتماعی، دوگان (۲۰۱۰) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر سبک دلبستگی نوجوانان، فانگ (۲۰۱۶) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر پرخاشگری نوجوانان و تستونی و دیگران (۲۰۲۰) مبنی بر اثربخشی روان‌نمایشگری بر خودکارآمدی، خودانگیختگی و ناگویی هیجانی همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روان‌نمایشگری سمت و سوی اجتماعی و شناختی دارد و با توجه به این که در این روی‌آورد، فرد مسئله‌اش را در صحنه مطرح می‌کند، خود درباره راه حل‌های آن با استفاده از پردازش مجدد هیجانی و شناختی می‌اندیشد و با کشف راه‌حل نهایی به تمرین آن در صحنه می‌پردازد (فانگ، ۲۰۱۶). این فرایند سبب می‌شود تا دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی با بهره‌گیری از پردازش‌های شناختی و هیجانی کارآمد، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بیشتری را نیز تجربه کنند. همچنین از آنجا که مهم‌ترین وجه روان‌نمایشگری نسبت به سایر روش‌های درمانگری در عملی بودن آن است، در روی‌آورد روان‌نمایشگری به افراد کمک می‌شود تا با تجسم و بازی کردن یک مسئله به جای تنها گفت‌وگو کردن درباره آن، مسئله را بازنگری کرده و برای آن راه حل مناسبی پیدا کند (دوگان، ۲۰۱۰). این روند نیز سبب می‌شود تا فرد از تک بعداندیشی شناختی که منجر به نامعطفی روانی و شناختی می‌شود، فاصله گرفته و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بیشتری را تجربه کند.

محدود بودن دامنه پژوهش به دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شهر اصفهان و عدم کنترل متغیرهای اثرگذار محیطی، خانوادگی و اجتماعی (مانند شرایط اقتصادی

chophysiology substrates of impulsive aggression. *Biological Psychiatry*, 41, 1045-1061.

Bastaits, K., Pasteels, I., & Mortelmans, D. (2019). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being? *Journal of Adolescence*, 64, 98-108.

Battagliese, G., Caccetta, M., Luppino, O.I., Baglioni, C., Cardì, V., Mancini, F., & Buonanno, C. (2015). Cognitive-behavioral therapy for externalizing disorders: A meta-analysis of treatment effectiveness, *Behaviour Research and Therapy*, 75, 60-71.

Bayati Eshkaftaki, S. (2021). *Comparison of the effectiveness of adolescent-centered mindfulness training and self-differentiation on aggression, attachment quality, experiential avoidance, and alexitimia of divorced adolescents with externalizing behavior disorder*. Doctoral Dissertation, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Shahrekord Branch. [In Persian].

Boroomanian, N., Mohammadi, N., & Rahimi Taghanaki, C. (2019). The effectiveness of interactive group therapy and psychodrama on identity orientation in adolescent girls with psychological distress. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologist*, 15(60), 390-397. [In Persian].

Carnabucci, K., & Ciotola, L. (2013). *Healing eating disorders with psychodrama and other action methods: Beyond the silence and the fury*. London, UK: Jessica Kingsley Publishers.

Dehnavi, S., Zadeh Mohammadi, A., Hashemi, F., & Bajelan, M. (2018). Effectiveness of psychodrama based on unity-oriented therapeutic approach on resilience of patients with Multiple Sclerosis. *Shefaye Khatam*, 6(3), 10-18. [In Persian].

Denckla, C.A., Consedine, N.S., Chung, W.J., Stein, M., Roche, M., & Blais, M. (2018). A double-edged sword? Sub-types of psychological flexibility are associated with distinct psychiatric disorders. *Journal of Research in Personality*, 77, 119-125.

Dennis, J.P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity, *Cognitive Therapy and Research*, 34(3), 241-253.

Dogan, T. (2010). The effects of psychodrama on

خانواده، محیط زندگی دانش‌آموز و حمایت اجتماعی اطرافیان) بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی این دانش‌آموزان از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری، این پژوهش در سایر شهرها و مناطق و جوامع دارای فرهنگ‌های متفاوت، دانش‌آموزان دیگر مقاطع و اختلال‌های روان‌شناختی دیگر مانند دانش‌آموزان طلاق با مشکلات رفتاری درونی‌سازی، دانش‌آموزان طلاق دارای رفتارهای پرخطر و کنترل عوامل ذکر شده اجرا شود. با توجه به اثربخشی آموزش روان‌نمایشگری بر برانگیختگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی، در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود با تهیه برشور و کتابچه‌ای علمی، آموزش روان‌نمایشگری به مشاوران دوره متوسطه اول آموزش و پرورش ارائه شود تا با به‌کارگیری محتوای این مداخله، جهت کاهش برانگیختگی و افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان طلاق دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی گامی عملی بردارند.

منابع

Achenbach, T. M., & Rescorla, L.A. (2001). *Manual for the ASEBA school age: Form & profiles*. Burlington, VT: Research Center for Children, Youth, & Families.

Alimoradi, M., Ghorban Shiroudi, S., Khalatbari, J., & Rahmani, M. A. (2019). Comparison of the effectiveness of narrative therapy and psychodrama in the social self-empowerment and alexithymia of female students with specific learning disorders. *Journal of Exceptional Children*, 19(1), 27-38. [In Persian].

Almarzooqi, S., Chilcot, J., & McCracken, L. M. (2017). The role of psychological flexibility in migraine headache impact and depression. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 6(2), 239-243.

Barratt, E., Stanford, M. S., Kent, T. A., & Felthous, A. (2004). Neuropsychological and cognitive psy-

- tal divorce on children : Report of the nationwide NASP study. *School Psychology Review*, 12, 300-323.
- Hayes, S.C.(2016). Acceptance and commitment therapy, relational frame theory, and the third wave of behavioral and cognitive therapies - republished article. *Behavior Therapy*, 47(6), 869-885.
- Heinz, A. J., Bui, L., Thomas, K. M., & Blonigen, D. M. (2015). Distinct facets of impulsivity exhibit differential associations with substance use disorder treatment processes: A cross-sectional and prospective investigation among military veterans. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 22, 1-37.
- Hoseini Yazdi, S.E., Mashhadi, E., Kimiaei, S.E., & Asemi, Z. (2016). Effectiveness of the children of divorce intervention program on improvement of self-concept and resilience in children of divorce. *Quarterly of Applied Psychology*, 9(2), 7-21. [In Persian].
- Jalali Dehkordi, D., & Aghababaei, E. (2013). Comparing the effect of drug substance abuse prevention method on impulsiveness and coping strategies in male students. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 13(4), 5-17. [In Persian].
- Jennings, S.(2009). *Dramatherapy and social theatre: Necessary dialogues*. London, UK: Routledge.
- Karatas, Z., & Gokcakan, Z. (2009). A comparative investigation of the effects of cognitive-behavioral group practices and psychodrama on adolescent aggression. *Educational Science Theory Practice*, 9(3), 1441-52.
- Khobani, M., Mohammadi, A., & Jarareh, J. (2014). The effectiveness of psychodrama training on communication skills and aggression of aggressive girls. *Quarterly of Applied Psychology*, 7(4), 27-44. [In Persian].
- Landers, A. L., Bellamy, J.L., Danes, S. M., & Hawk, S. W.(2017). Internalizing and externalizing behavioral problems of American Indian children in the child welfare system. *Children and Youth Services Review*, 81, 413-421.
- Li, J., Wang, D., Guo, Z., & Li, K.(2015). Using psychodrama to relieve social barriers in an autistic child: A case study and literature review. *International Journal of Psychology*, 50(1), 1-10.
- young adults' attachment styles. *The Arts in Psychotherapy*, 37(2), 112-119
- Ekhtiari, H., Safaei, H., Esmaceli Djavid, G., Atefvahid, M.K., Edalati, H., & Mokri, A. (2008). Reliability and validity of Persian Versions of Eysenck, Barratt, Dickman and Zuckerman Questionnaires in assessing risky and impulsive behaviors. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(3), 326-336. [In Persian].
- Fazeli, M., Ehteshamzadeh, P., & Hashemi, S. E. (2015). The effectiveness of cognitive behavior therapy on cognitive flexibility of depressed people. *Journal of Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 9(34), 27-36. [In Persian].
- Fong, J. (2016). Psychodrama as a preventative measure: Teenage girls confronting violence. *Journal of Group Psychotherapy Psychodrama Sociol*, 59(3), 99-108.
- Gharedaghi, E., & Mobini Keshe, F. (2020). Comparison of self-concept, gender role and emotional maturity in children with and without parental divorce experience. *Quarterly Journal of Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(42), 231-260. [In Persian].
- Gholami Vnovel, N., Fallahi Khoshkonab, M., Rah Gouy, A., Hosseini, M.A., Khodaei Ardakani, M.R., & Reza Soltani, P. (2018). The effect of psychodrama on social skills of school children suffering from attention-deficit/hyperactivity disorder. *Iranian Nursing Scientific Association*, 6(4), 57-64. [In Persian].
- Glosser, R. (2011). *Examination of the relationship between the Child Behavior Checklist/ 6-18 and the Social Responsiveness Scale Parent Forms using individuals with high functioning autism*. Doctoral Dissertation, Indiana University of Pennsylvania.
- Golpayegani, F., Bayat, B., Majdian, V., & Aghabozorgi, S. (2018). Effectiveness of acceptance and commitment therapy on the quality of attachment and altruism of the children with externalized behavioral problems. *Journal of Exceptional Children*, 18(4), 77-88. [In Persian].
- Guidubaldi, J., Cleminshaw, H. K., Perry, J. D., & McLoughlin, C. S. (2010). The impact of paren-

- Sorek, Y. (2020). Grandparental and overall social support as resilience factors in coping with parental conflict among children of divorce. *Children and Youth Services Review, 118*, 105-109.
- Stapp, E. K., & Wilcox, H.C. (2020). Parental bipolar disorder, family environment, and offspring psychiatric disorders. *A systematic review, 268*, 69-81.
- Stekoll, A. (2011). *Bibliotherapy: A proposed treatment for children coping with divorce*. A dissertation presented for the degree of Doctor of Psychology. California: Palo Alto University.
- Stokkebekk, J. (2019). Keeping balance, keeping distance and keeping on with life: Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Children and Youth Services Review, 102*, 108-119.
- Testoni, I., Bonelli, B., Biancalani, G., Zuliani, L., & Nava, F. A. (2020). Psychodrama in attenuated custody prison-based treatment of substance dependence: The promotion of changes in wellbeing, spontaneity, perceived self-efficacy, and alexithymia. *The Arts in Psychotherapy, 68*, 101-107.
- Thorberg, F. A., Young, R. M., Sullivan, K. A., & Lyvers, M. (2011). Parental bonding and alexithymia: A meta analysis. *European Psychiatry, 26*, 187-193.
- Tümlü, G. U., & Şimşek, B. K. (2021). The effects of psychodrama groups on feelings of inferiority, flourishing, and self-compassion in research assistants. *The Arts in Psychotherapy*, In Press, Journal Pre-proof.
- Waldeck, D., Tyndall, I., Riva, P., & Chmiel, N. (2017). How do we cope with ostracism? Psychological flexibility moderates the relationship between everyday ostracism experiences and psychological distress. *Journal of Contextual Behavioral Science, 6*(4), 425-432.
- Wang, Q., Ding, F., Chen, D., Zhang, X., Shen, K., Fan, Y., & Li, L. (2020). Intervention effect of psychodrama on depression and anxiety: A meta-analysis based on Chinese samples. *The Arts in Psychotherapy, 69*, 101-107.
- tional Journal of Nursing Sciences, 2*(4), 402-407.
- Moeller, F. G., Barratt, E. S., Dougherty, D. M., Schmitz, J. M., & Swann, A.C. (2001). Psychiatric aspects impulsivity. *American Journal of Psychiatry, 11*, 1783- 1793.
- Moore, J. (2009). The theatre of attachment. In S. Jennings, *Dramatherapy and social theatre: Necessary dialogues* (pp. 201-207). London, UK: Routledge.
- Mosavi, H., & Haghayegh, S. A. (2019). Efficacy of psychodrama on social anxiety, self-esteem and psychological well-being of university students that met diagnosis of social anxiety disorder. *Knowledge and Research in Applied Psychology, 20*(3), 22-30. [In Persian].
- Naderi, F., & Haghshenas, F. (2009). The relationship between impulsivity and loneliness with cell phone use in students, *New Findings in Psychology, 4*(12), 111-121. [In Persian].
- Nakamura, B., Ebesutani, C., Bernstein, A., & Chorpita, B. (2009). A psychometric analysis of the Child Behavior Checklist DSM-oriented Scales. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 31*, 178-189.
- Pivarunas, B., & Conner, B.T.(2015). Impulsivity and emotion dysregulation as predictors of food addiction. *Eating Behaviors, 19*, 9-14.
- Pourfaraj, M., & Mahmoudian, T. (2020). The relationship between metacognition and metaemotion with distress tolerance: The mediating role of psychological flexibility. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychology, 16*(63), 333-341. [In Persian].
- Sanchez, H., Clark, D. A., & Fields, S. A. (2019). The relationship between impulsivity and shame and guilt proneness on the prediction of internalizing and externalizing behaviors. *Heliyon, 5*(11), 27-36.
- Shareh, H., Farmani, A., & Soltani, E. (2014). Investigating the reliability and validity of the Cognitive Flexibility Inventory (CFI-I) among Iranian university students. *Journal of Practice in Clinical Psychology, 2*(1), 43-50.

